

دکتر محمدحسن قدیری ایبانه



اشاره:

«پیشرفت و توسعه اقتصادی» یکی از آرمان‌های بزرگ همه ملت‌های جهان و ملت بزرگ ایران، به ویژه با نگاه به عزت‌طلبی و استقلال‌خواهی ناشی از معارف بلند اسلام، است. اما آیا واقعاً این گونه که ما زندگی اقتصادی خود را در سطح خرد و کلان برنامه‌ریزی کرده‌ایم، می‌توانیم به پیشرفت اقتصادی مطلوب نایل شویم؟ این مقاله به زمینه‌ها و ضرورت‌های توسعه با توجه به واقعیت‌های اقتصادی کشور پرداخته است. استفاده شفاف و رسا از آمار واقعی اقتصادی یکی از امتیازات این نوشته است. البته ناگفته نپیداست که دیدگاه این مقاله غیر قابل نقد نیست. شماره بعدی پویا می‌تواند حاوی نوشته‌ای در نقد دیدگاه این مقاله از مخاطبان گرامی باشد.

برای ارائه راه حل و راه کار برای هر مسأله‌ای، ابتدا باید صورت مسأله را شناخت. آشنایی با وضع موجود و روندی که در پیش است، در این جهت امری ضروری است. ارزیابی صحیح از وضعیت کشور، امکان مقایسه صحیح وضعیت اقتصادی کشور را، هم نسبت به قبل از انقلاب و هم در مقایسه با سایر کشورها ممکن می‌سازد.

کاهش سهم هر نفر از صادرات نفت

از سال ۱۳۵۷ تاکنون جمعیت کشور دو برابر شده است. در این میان، میزان صادرات نفتی از ۵/۴ میلیون بشکه نفت در روز به حدود ۲/۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافته و به کم‌تر از نصف آن زمان رسیده است. ارزش دلار نیز در بازارهای بین‌المللی (بدون مقایسه با ریال) به نسبت قدرت واقعی خرید خود دلار، دست‌کم به نصف کاهش یافته است. این بدان معناست که سهم هر نفر از ارز حاصل از

صادرات نفت، با توجه به سه عامل مذکور، به یک هشتم قبل از انقلاب تنزل یافته است. از سه عامل مزبور، فقط میزان صادرات نفت عماداً توسط مسئولان نظام اسلامی کاهش یافته است. اگر هم اکنون میزان صادرات نفت را مانند قبل از انقلاب به روزی ۵/۴ میلیون بشکه در روز برسانیم، تغییری در درآمد ایران ایجاد نخواهد کرد؛ زیرا بر اثر این افزایش صادرات، عملاً قیمت نفت کاهش می‌یابد و

در این مقایسه، اگر میزان رفاهیات بعد از انقلاب به یک هشتم قبل از انقلاب کاهش یابد، عملکردی مشابه وضعیت قبل از انقلاب تحقق یافته است و حال آن که در قریب به اتفاق موارد، عملکرد نظام و سهم هر نفر از رفاهیات و امکانات، چند برابر قبل از انقلاب اسلامی است.

چیزی بیش از این عاید ایران نمی‌شود. از این رو، حتی چنانچه - به فرض محال - رژیم شاه در قدرت باقی می‌ماند، به طور طبیعی سرانه هر نفر از ارز حاصل از صادرات نفت باز هم به یک هشتم تقلیل می‌یافت و حکومت نمی‌توانست ریخت و پاش‌های قبل را ادامه دهد.

بنابراین، اگر بخواهیم عملکرد قبل و بعد از انقلاب را با هم مقایسه کنیم، باید معیارهای فوق‌الذکر را لحاظ نماییم در این مقایسه، اگر میزان رفاهیات بعد از انقلاب به یک هشتم قبل از انقلاب کاهش یابد، عملکردی مشابه وضعیت قبل از انقلاب تحقق یافته است و حال آن که در قریب به اتفاق موارد، عملکرد نظام و سهم هر نفر از رفاهیات و امکانات، چند برابر قبل از انقلاب اسلامی است.

نکته قابل توجه در این ارتباط، آن که با افزایش تعداد جمعیت کشور، سهم هر نفر (سرانه) از محل صادرات نفت کاهش می‌یابد، ضمن آن که به طور مرتب از ذخائر طبیعی کشور کاسته می‌شود. بنابراین، سال به سال سرانه (سهم هر نفر) از محل صادرات نفت کاهش می‌یابد و طی سال‌های آینده به صفر نزدیک می‌گردد. از این رو، ضرورت کاهش اتکای اقتصاد کشور به درآمد حاصل از تولید و صادرات نفت احساس می‌شود و باید جایگزین دیگری برای این کاهش ثروت پیش‌بینی کرد.

علل پیشرفت ملل فاقد منابع طبیعی

اما چرا کشورهایی مثل آلمان، ژاپن و کره جنوبی، که فاقد منابع طبیعی غنی مثل نفت و گاز ایران هستند، از پیشرفت چشم‌گیری برخوردار شده‌اند؟ رمز موفقیت آنها چیست؟

تعدادی از افراد در مقایسه میزان حقوق، سطح رفاهیات، تأمین اجتماعی و موارد دیگر، به

مقایسه این موارد بین ایران و کشورهای پیشرفته اقتصادی غرب می‌پردازند و سپس از عدم تناسب بین آنها احساس ناراضی‌گری کرده، آن را به عملکرد حکومت نسبت می‌دهند.

یکی از ملاک‌های مهم در مقایسه عملکرد حکومت‌ها این است که باید مقایسه با کشورهای صورت گیرد که توان اقتصادی مشابهی دارند. یکی از ملاک‌های مهم در ارزیابی توان اقتصادی کشورها، سرانه تولید ناخالص داخلی است. «سرانه تولید ناخالص داخلی» یعنی: مجموعه ارزش نهایی کل تولیدات و خدمات داخل یک کشور در طول مدت یک سال؛ تقسیم بر تعداد جمعیت کشور. اگر بخواهیم قضاوتی در مقایسه رفاهیات و امور تأمین اجتماعی و حتی سطح عمومی حقوق‌ها داشته باشیم، باید وضعیت کشورهای را پس‌نجمیم که تولید سرانه آن‌ها با ما برابر است. در غیر این صورت، در قضاوت خود دچار مشکل می‌شویم. برای مثال در مسابقات کشتی، مسابقه بین افراد هم وزن صورت می‌گیرد. سبک وزن‌ها با سبک وزن‌ها و سنگین وزن‌ها با سنگین وزن‌ها مسابقه می‌دهند. در غیر این صورت، نفر اول قهرمانی سبک وزن کشتی جهان از نفر آخر سنگین وزن جهان شکست خواهد خورد.

حال در مقایسه رفاهیات و تأمین اجتماعی در آلمان و ایران باید توجه داشت که: میزان مالیاتی که مردم آلمان در سال ۱۹۹۹ به دولت خود پرداخته‌اند، معادل کل صادرات نفتی و غیر نفتی ایران در مجموع دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده و طبیعی است که بودجه‌ای که آن دولت در زمینه بهداشت و درمان و حقوق بیکاری و امثال آن اختصاص می‌دهد، بیش از بودجه‌ای باشد که در ایران به این امر اختصاص می‌یابد.

مالیاتی که مردم آلمان در یک سال به دولت

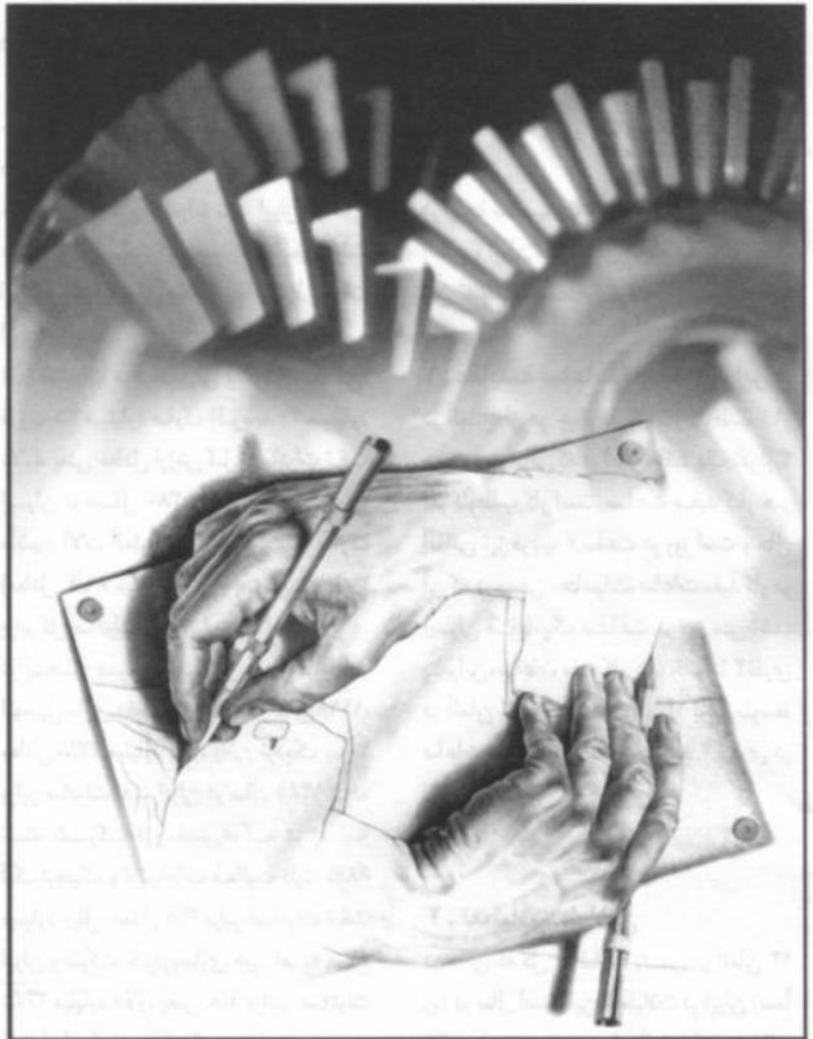
خود پرداخته‌اند، قریب ۶۵ برابر مالیاتی است که قرار بود سال گذشته دولت ایران وصول کند. فقط صادرات نوشابه آلمان ۳۵ میلیارد دلار در یک سال بوده است. آن را با ۲۰ میلیارد دلار صادرات نفتی ایران مقایسه کنید. اگر آمار مزبور را با بودجه ایران مقایسه کنیم ابعاد مسأله روشن می‌شود:

بودجه ایران در سال ۸۱

کل بودجه دولت در سال ۱۳۸۱ قریب ۶۷ هزار میلیارد تومان بود که با احتساب قریب ۱۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان سوخت، که در بودجه درج نشده، قریب ۷۷ هزار میلیارد تومان، یعنی قریب به ۱۰۰ میلیارد دلار است. کل مالیات‌های پیش‌بینی شده قریب ۶۱۳۶ میلیارد تومان می‌باشد؛ یعنی مجموع مالیات‌ها، کم‌تر از ۱۰ درصد کل بودجه رسمی (دقیقاً ۹/۱۵ درصد) و کم‌تر از ۸ درصد بودجه عملی دولت (با احتساب یارانه پنهان سوخت) می‌باشد. کل یارانه‌های پیدا و پنهان بودجه سال ۱۳۸۱ معادل ۱۳/۸۰۳ میلیارد تومان بود که ۳/۸۰۳ میلیارد تومان مربوط به یارانه‌های مندرج در بودجه و بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان حامل‌های انرژی (فرآورده‌های نفتی) می‌باشد. به عبارت دیگر، فقط یارانه‌ها به تنهایی قریب ۲/۲۵ برابر کل مالیاتی است که قرار بود دولت از بخش خصوصی و دولتی دریافت کند.

مجموع بودجه اختصاص یافته به آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و نیز دانشگاه‌ها و بیمارستان‌های وابسته، جمعاً قریب ۵/۳۳۵ میلیارد تومان بود که قریب ۷۸ درصد کل مالیات‌هاست.

از این مقدار، مبلغ ۲۹۹۲/۵ میلیارد تومان بودجه آموزش و پرورش، قریب ۵۹۷ میلیارد تومان بودجه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و



سوخت) شامل امور آموزش، تأمین اجتماعی، بهداشت و درمان و یارانه‌های پیدای مندرج در بودجه جمعاً ۱۲/۰۲۹ میلیارد تومان بود که قریب ۲ برابر کل مالیات‌هایی است که برای سال ۱۳۸۱ پیش‌بینی شده بود. اگر ۱۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان سوخت نیز به آن اضافه شود، جمع موارد مزبور به بیش از ۲۲ هزار میلیارد تومان می‌رسد که بیش از ۳/۵ برابر کل مالیات‌های پیش‌بینی شده است.

در حالی که کل مالیات‌های پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۸۱، مبلغ ۶/۱۳۶ میلیارد تومان بود، بودجه‌ای که برای پرداخت حقوق کارکنان دولت پیش‌بینی شده بود، مبلغ ۵/۳۳۹ میلیارد تومان، یعنی معادل بیش از ۸۷ درصد کل مالیات‌ها، و بودجه پیش‌بینی شده برای کارهای عمرانی، مبلغ ۵/۴۱۸ میلیارد تومان، یعنی معادل بیش از ۸۸ درصد کل مالیات‌ها بود.

آمار مذکور نشان می‌دهند که چند برابر کل مالیات‌ها به طور مستقیم خرج مردم می‌شود و البته باقی‌مانده بودجه از محل درآمدهای نفتی و درآمدهای شرکت‌های دولتی تأمین می‌گردد. بنابراین، اگر مردم چند برابر مقداری که مالیات می‌دهند مالیات بپردازند، باز هم به میزان یارانه‌ای که برای آموزش و بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی اختصاص یافته است، نمی‌رسد.

مقایسه اقتصاد آلمان و ایران

در رابطه با مقایسه رفاهیات ایران با کشورهای دیگر و بخصوص آلمان ذکر برخی آمارها بی‌مناسبت نیست. آمارهای ذیل مربوط به سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ یعنی زمانی است که هنوز پول اروپا جایگزین مارک نشده بود. سرانه تولید هر آلمانی در سال ۱۹۹۷، معادل ۲۲/۲۸۰ دلار و مجموع تولید ناخالص داخلی

تومان و سازمان انتقال خون، ۲۳/۷ میلیارد تومان بود.

مجموعه بودجه هلال احمر، کمیته امداد، سازمان بهزیستی، انستیتو پاستور و سازمان انتقال خون، قریب ۲/۸۵۵ میلیارد تومان بود که به تنهایی ۴۶/۵ درصد کل مالیات‌های پیش‌بینی شده است که با یارانه مستقیم مندرج در بودجه، جمعاً معادل ۶/۶۵۸ میلیارد تومان بود که قریب ۸/۵ درصد بیش‌تر از کل مالیات‌ها می‌باشد.

مجموع بودجه‌های مزبور (بدون یارانه پنهان

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مبلغ ۱۷۴۵/۵ میلیارد تومان بودجه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌ها و بیمارستان‌های وابسته بود.

بودجه سازمان تأمین اجتماعی به تنهایی ۲/۱۵۶ میلیارد تومان بود که بیش از یک سوم کل مالیات‌هاست.

بودجه جمعیت هلال احمر قریب ۷۵ میلیارد تومان، کمیته امداد امام خمینی (ره) ۴۴۴/۵ میلیارد تومان، سازمان بهزیستی ۱۷۹/۵ میلیارد تومان، انستیتو پاستور ۱۲/۴ میلیارد



آلمان معادل ۲/۳۳۱ میلیارد دلار بوده است. اگر مجموع تولید را به نسبت ۳۶ میلیون شاغل بستیم، سرانه تولید ناخالص داخلی آلمان به ازای هر شاغل، سالانه ۶۳/۶۳۰ دلار و ماهانه ۵/۳۲۰ دلار می‌باشد؛ یعنی هر شاغل به طور متوسط ماهانه ۵/۳۲۰ دلار تولید کرده و حال آن که حقوق هر کارگر به طور متوسط، ماهانه معادل ۱/۷۴۳ دلار (۳ هزار مارک) یعنی معادل یک سوم تولید ناخالص سرانه بر حسب نیروهای شاغل است. به عبارت دیگر، تولید ناخالص داخلی هر شاغل، قریب سه برابر حقوق یک کارگر است.

در سال ۱۹۹۸ مردم آلمان از مجموع ۲/۳۳۱ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، معادل ۴۸۴ میلیارد دلار (۸۳۳ میلیارد مارک) مالیات پرداخت کرده‌اند. مالیاتی که مردم آلمان به دولت خود پرداخته‌اند، بیش از ۶۰ برابر مالیاتی است که مردم ایران به دولت خود پرداخته‌اند و بیش از ۵/۵ برابر کل بودجه رسمی دولت ایران در سال ۱۳۸۱ است. مالیات پرداختی مردم آلمان به دولت (در سال ۱۹۹۸) بیش از ۲۲ برابر درآمد نفت ایران در سال ۱۳۸۰ بوده است.

بودجه آموزش و علوم و تحقیق و فناوری آلمان در سال ۱۹۹۸، مبلغ ۱۸/۶ میلیارد مارک، معادل بیش از ۱۰ میلیارد دلار یعنی، فقط قریب ۲ درصد کل مالیاتها بوده و حال آنکه فقط بودجه وزارت آموزش و پرورش در ایران ۴۸/۷ درصد کل مالیاتها در سال ۱۳۸۱ است.

بودجه بی‌کاری و امور اجتماعی آلمان به تنهایی ۱۸۰ میلیارد مارک (معادل ۱۰۴ میلیارد دلار)، یعنی بیش از ۵ برابر درآمد نفت ایران در سال ۱۳۸۱ و بیش از کل بودجه پیدای و پنهان ایران در همین سال است. اما بودجه بی‌کاری و امور اجتماعی آلمان کم‌تر از ۲۲ درصد مالیات‌های دریافتی آن کشور می‌باشد.

در آلمان از هر سه نفر، یک نفر برای صادرات کار می‌کند و صادرات آلمان در سال ۱۹۹۸، مبلغ ۱۹۸ میلیارد مارک، قریب ۵۸۰ میلیارد دلار، یعنی ۱۴۵ برابر صادرات کالای ایران و ۲۹ برابر کل مبلغ صادرات نفت ایران در سال ۱۳۸۱ و ۶/۶ برابر کل بودجه رسمی دولت ایران و ۵/۸ برابر کل بودجه پیدای و پنهان دولت ایران می‌باشد.

فقط صادرات مواد غذایی و نوشابه آلمان، قریب ۳۵ میلیارد مارک (قریب ۲۰ میلیارد دلار)، یعنی معادل ارزش کل صادرات نفت ایران در سال ۱۳۸۰ بوده است. صادرات ماشین آلات آلمان مبلغ ۱۵۴ میلیارد مارک (معادل ۸۹/۴ میلیارد ریال)، یعنی بیش از ۴ برابر کل صادرات نفت ایران بوده است.

در بخش صنعت، فروش کارخانجات اتومبیل‌سازی «فولکس واگن» در سال ۱۹۹۸، معادل ۲۷/۸ میلیارد دلار، یعنی نزدیک به ۴ برابر صادرات نفت ایران در سال ۱۳۸۰ بوده است. شرکت «زیمنس»، که در زمینه الکترونیک و ارتباطات فعالیت دارد، ۶۸/۵ میلیارد ریال، معادل ۳/۵ برابر صادرات نفت ایران و شرکت خودروسازی «ب. ام. و» مبلغ ۳۶/۵ میلیارد دلار، یعنی ۱/۸ برابر صادرات نفت ایران فروش داشته‌اند.

به دنبال پیوستن آلمان شرقی به آلمان غربی، دولت آلمان از سال ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۹۹ قریب ۴۶۴ میلیارد دلار (۸۰۰ میلیارد مارک) به بخش شرقی آلمان کمک کرده است. این مبلغ بیش از ۲۳ برابر درآمد صادرات نفت ایران در سال ۱۳۸۰ است.

علل تفاوت اقتصاد آلمان با ایران

اما چرا تولید و ثروت‌زایی در کشور ما نسبت به کشوری مثل آلمان این قدر کم است. واقعیت آن است که سطح حقوق، میزان مالیات‌ها، بودجه

دولت و رفاهیات عمومی، همگی به میزان تولید سرانه هر کشور وابستگی دارند و میزان تولید سرانه نیز عمدتاً به میزان کار مفید هر مثنی وابسته است.

در اینجا مناسب است بین ساعات مفید کار در آلمان و ایران مقایسه‌ای انجام دهیم تا ریشه این تفاوت‌ها مشخص گردد:

۱. مقایسه ساعات کار آلمان و ایران

در آلمان، از هر چهار نفر دو نفر داوطلب کار هستند، در حالی که در ایران، فقط یک نفر از ۴ نفر داوطلب کار است. ساعت مفید کار هر آلمانی نیز قریب ۷ ساعت در روز است و حال آن که در برخی محاسبات، ساعات مفید کار در ایران فقط یک ساعت در روز می‌باشد. بنابراین، ساعات مفید کار یک خانواده ۴ نفری در آلمان ۱۴ ساعت در روز و ۱۴ برابر متوسط ساعات مفید کاری یک خانواده ۴ نفری در ایران است.

۲. تعطیلات طولانی

در حالی که کل تعطیلات رسمی در آلمان ۱۲ روز در سال است، این تعطیلات در ایران رسماً ۲۴ روز است؛ یعنی دو برابر آلمان، این در حالی است که تعطیلات رسمی سالانه در انگلستان فقط ۸ روز و در فرانسه فقط ۱۱ روز است. به عبارت دیگر، ما در ایام تعطیل نوروز سال ۱۳۸۲، با احتساب تعطیلی ۲۹ اسفند، ۱۶ روز تعطیلی داشتیم که دو برابر تعطیلات سالانه انگلستان و ۴ روز بیشتر از تعطیلات سالانه آلمان است.

اگر ساعت مفید کاری لازم را ۷ ساعت در روز فرض کنیم، یک خانواده ۴ نفری ایرانی در هر سال ۳۰ روز، یعنی یک ماه کار مفید انجام می‌دهد حال آن که یک خانواده ۴ نفری

میزان مالیاتی که مردم آلمان در سال ۱۹۹۹ به دولت خود پرداخته‌اند، معادل کل صادرات نفتی و غیر نفتی ایران در مجموع دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده

آلمانی در سال ۱۵ ماه کار مفید انجام می‌دهد. با احتساب تعطیلی پنج شبه و جمعه و نیز تعطیلات رسمی سالانه و مرخصی یک‌ماهه استحقاقی از نظر روزکاری (و نه ساعت مفید)، در ایران در مقابل هر ۴ روز کاری ۳ روز استراحت وجود دارد و این یک ضایعه بزرگ برای توسعه کشور است.

در حقیقت، علت پیشرفت کشور آلمان؛ علت بالا بودن سطح حقوق و رفاه عمومی، سطح تولید ناخالص داخلی و سرانه آن، میزان بودجه دولت، رفاهیات و تأمین اجتماعی، میزان کار مفید سالانه و درصد داوطلبان کار به نسبت جمعیت آن است.

۳. ضعف فرهنگ کار

متأسفانه فرهنگ کار در ایران بسیار ضعیف است و از نشانه‌های ضعف آن این که وقتی آمار مزبور ارائه می‌گردد، افراد زیادی این مسئله را مطرح می‌کنند که اگر به ما نیز حقوقی مثل آلمانی‌ها و ژاپنی‌ها بدهند، ما هم همان قدر کار خواهیم کرد، غافل از این که آلمانی‌ها و ژاپنی‌ها در مشکلات و سختی‌ها و حتی در فقر و ناداری، کار کردند تا برخوردار و ثروتمند شدند و اکنون نیز که کشور ثروتمندی شده‌اند، باز هم کار می‌کنند. ما هم اگر بخواهیم به توسعه و پیشرفت دست یابیم، باید به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم در توسعه کشور، کار کنیم و ساعات مفید کاری را افزایش دهیم و از تعطیلات بکاهیم و بدین سان، بر تولید ثروت کشور بیفزاییم.

اتلاف ثروت

تولید ثروت و سرمایه عامل بسیار مهمی در توسعه است، اما در کنار آن باید این سرمایه‌ها به نحو صحیحی هزینه شوند. متأسفانه ما در هزینه کردن‌ها نیز راه افراط در پیش گرفته‌ایم

و با اتلاف و اسراف سرمایه‌ها یمان، راه توسعه را بر خویش مسدود می‌کنیم.

نمونه آن اسراف و اتلاف سرمایه‌ها در مصرف سوخت‌های فسیلی و از جمله در مصرف بنزین است که از نظر اقتصادی در حد یک فاجعه محسوب می‌گردد. افکار عمومی متأسفانه طرفدار ادامه پرداخت یارانه سوخت است و از سوخت ارزان حمایت می‌کند و در مقابل هر اصلاحی در این رابطه ایستادگی می‌کند و حذف یارانه سوخت را موجب ایجاد گرانی می‌داند بدون این که توجه کند اگر این سرمایه در جای صحیحی هزینه شود، آثار شگفت‌مثنی به بار خواهد آورد.

برای روشن شدن موضوع، به طرح این مسأله که مسأله‌ای حیاتی در اقتصاد کشور است، می‌پردازیم:

اتلاف سرمایه‌ها در یارانه سوخت

این جانب گاهی در مقالات خود به آمار و ارقامی در رابطه با یارانه‌های فرآورده‌های نفتی اشاره می‌کنم تا مردم و مسؤولان و نیز ارباب رسانه‌ها با ابعاد فاجعه پرداخت یارانه‌ها آشنا شوند و به فکر اصلاح وضعیت موجود بیفتند، اما برخی با توجه به بزرگی آمار ارائه شده، نسبت به صحت آمار تردید می‌کنند. برخی رسانه‌ها نیز با عبارت «قدیری ادعا کرد» به ذکر آمار می‌پردازند. برخی نیز تصور می‌کنند که ممکن است رسانه‌های گروهی در ذکر آمار، دچار اشتباه تایپی شده باشند. آن‌ها حق دارند نسبت به صحت آمار تردید کنند؛ چون اگر آمار را باور کنند، باید اذعان نمایند که در ایران اسلامی، به نام «عدالت»، چه ظلمی به اقشار محروم می‌شود و هر گاه نیز مسؤولان خواستار اصلاح وضعیت می‌شوند، با مقاومت و مخالفت افکار عمومی مواجه می‌گردند! برای این که نمونه‌هایی از آمارها را ارائه کرده باشیم، در ذیل، به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. یک خودرو سواری که روزانه به طور متوسط فقط ۱۱ لیتر بنزین مصرف کند، یارانه‌ای که بابت مصرف بنزین ظرف یک سال از بیت‌المال عمومی دریافت می‌کند، معادل قیمت واردات برنج برای مصرف ۵۰ سال یک نفر است.

۲. یارانه ۵ سال مصرف بنزین به طریق مزبور معادل ۳ هزار دلار، یعنی قیمت یک ماشین «دوو» است.

۳. یک «پاترول» که ظرفیت باک بنزینش ۸۰ لیتر است، اگر فقط هر سه روز یکبار باکش را پر کند، «یارانه‌ای» که ظرف دو سال از بابت مصرف «بنزین» دریافت می‌کند، معادل قیمت واردات برنج برای مصرف ۳ نفر در طول عمر ۸۰ ساله آن‌هاست.

۴. یارانه‌ای که به مصرف (فقط ۶۰۰۰ لیتر) گازوئیل شوقاژ یک خانه ۱۸۰ متری در طول فقط یک زمستان تعلق می‌گیرد، معادل قیمت واردات برنج برای مصرف ۱۰۰ سال یک نفر است.

۵. یارانه فرآورده‌های نفتی در طول یک سال معادل قیمت ساخت خانه طبق الگوی مسکن، به تعداد تمام خانه‌های تهران است.

۶. اگر از زمان تولد حضرت مسیح (ع) تا کنون هر ساله در یک انبار نیم تن طلا انباشته می‌شد و این کار تا ۱۲۰۰ سال دیگر نیز ادامه یابد، ارزش مجموع آن طلاها برابر یارانه‌ای است که در ایران ظرف مدت فقط یک سال به فرآورده‌های نفتی اختصاص می‌یابد و دود می‌شود. این در حالی است که کل طلای تولیدی سالانه کشور از معادن غنی طلای موته اصفهان و مجتمع مس سرچشمه سالانه حدود ۶۰۰ کیلوگرم است.

برای اینکه ناباوران نیز به وضعیت فاجعه‌آمیز موجود پی ببرند، در این جا ملاحظه انجام محاسبه‌های مذکور را ارائه می‌کنم. دوست

دارم خوانندگان این مقاله آمار مذکور را باور نکنند و خود به محاسبه بپردازند. برای محاسبه آن نیازی به دانستن علم اقتصاد نیست، بلکه دانستن چهار عمل اصلی، یعنی جمع و تفریق و ضرب و تقسیم کفایت می‌کند! اما اطلاعاتی که ملاک محاسبات مذکور قرار گرفته‌اند:

۱. قیمت هر بشکه نفت خام صادراتی قریب ۲۵ دلار است.
۲. قیمت هر بشکه بنزین، نفت سفید و گازوئیل قریب ۳۲ دلار است؛ یعنی برای واردات آن‌ها، این مبلغ از بودجه دولت کسر می‌گردد و در صورت صادرات، این مبلغ به صندوق دولت واریز می‌شود.
۳. قیمت هر لیتر بنزین بدون احتساب حمل و نقل و توزیع، ۲۰ سنت و با احتساب هزینه‌های حمل و نقل ۲۲ سنت است.
۴. بنزین در ایران لیتری ۶۵ تومان، یعنی قریب ۸/۱۲۵ سنت ارائه می‌گردد. بنابراین، بابت هر لیتر بنزین با احتساب قیمت واقعی بنزین هر لیتر ۲۲ سنت و در نتیجه، یارانه هر لیتر آن ۱۵/۷۵ سنت می‌شود. این جانب در محاسبات خود، میزان یارانه هر لیتر بنزین را فقط ۱۵ سنت فرض کرده‌ام.
۵. قیمت واردات برنج، بدون احتساب هزینه حمل و نقل بین ۲۴۵ دلار تا ۴۵۰ دلار است. این جانب در محاسبات خود قیمت برنج پاکستانی را، که ۳۰۰ دلار در هر تن است، ملاک محاسبه قرار داده‌ام. پس قیمت هر کیلو برنج وارداتی ۳۰ سنت است.
۶. با محاسبات مزبور، می‌توان گفت که یارانه هر دو لیتر بنزین، معادل قیمت واردات یک کیلو برنج است.
۷. میزان سرانه مصرف برنج در ایران قریب ۳۸ کیلو در هر سال است. در محاسبات این جانب مصرف سالانه هر نفر ۴۰ کیلوگرم برنج فرض

شده است.

۸. بنابراین، کسی که یک باک بنزین «پاترول» (۸۰ لیتر) را پر می‌کند، یارانه‌ای معادل قیمت واردات برنج مصرف سالانه یک نفر دریافت می‌کند!
۹. اگر مصرف هر خودرو به طور متوسط ۱۱ لیتر در هر روز باشد، مصرف بنزین او در یک سال، ۴۰۱۵ لیتر خواهد شد. چون یارانه هر دو لیتر بنزین معادل یک کیلو برنج است، پس یارانه مصرف بنزین برای یک سال، بیش از ۲ تن برنج خواهد شد. این مقدار ۵۰ برابر مصرف سرانه سالانه برنج در ایران است. بنابراین، می‌توان گفت: خودرویی که به طور متوسط روزانه فقط ۱۱ لیتر بنزین مصرف می‌کند، یارانه دریافتی‌اش ظرف یک سال معادل قیمت واردات برنج مصرفی یک سال برای ۵۰ نفر و یا ۵۰ سال یک نفر است. به عبارت دیگر، هر که فقط یک لیتر در روز بنزین مصرف کند، سالانه معادل قیمت واردات ۴/۵ سال برنج مصرفی خود، یا معادل قیمت واردات برنج برای مصرف یک سال یک خانواده یارانه دریافت می‌دارد.
۱۰. خودرویی که ۱۱ لیتر در روز بنزین مصرف کند، در یک سال بیش از ۶۰۰ دلار و ظرف ۵ سال بیش از ۳۰۰۰ دلار یارانه می‌گیرد. برخی از ماشین‌های خارجی، از جمله انواعی از «دوو» ۳ هزار دلار قیمت دارند. پس می‌توان گفت: با احتساب قیمت خرید خارجی برخی از انواع ماشین‌های «دوو»، به قیمت جهانی (بدون احتساب مالیات و عوارض گمرکی)، خودرویی که فقط ۱۱ لیتر بنزین مصرف کند، یارانه‌ای که ظرف ۵ سال می‌گیرد، معادل قیمت یک ماشین «دوو» است!
۱۱. اگر یک ماشین «پاترول» هر سه روز یک بار باک خود را پر کند (۸۰ لیتر در هر بار)، بنزین مصرفی او ظرف یک سال ۹۲۳۳ لیتر خواهد

بود. با احتساب یک کیلوگرم برنج به عنوان یارانه هر دو لیتر بنزین، این نتیجه حاصل می‌گردد که یارانه یک سال مصرف بنزین چنین خودرویی، معادل قیمت واردات ۴۸۶۶ کیلوگرم برنج است. با احتساب سرانه مصرف برنج، که ۴۰ کیلوگرم در نظر گرفته شده است، می‌توان گفت: یارانه سالانه بنزین چنین پاترولی، که فقط هر ۳ روز یک بار باک خود را پر می‌کند، در هر سال معادل قیمت واردات برنج برای مصرف ۱۲۰ سال یک نفر و یا ۱۲۰ نفر در یک سال است. همچنین می‌توان گفت که یارانه بنزین چنین پاترولی ظرف دو سال معادل قیمت واردات برنج برای مصرف ۲۴۰ سال یک نفر و یا برای طول عمر ۸۰ ساله ۳ نفر است.

۱۲. در حالی که قیمت جهانی نفت سفید و گازوئیل و بنزین تقریباً یکسان است، در ایران گازوئیل و نفت سفید بسیار ارزانتر از بنزین، یعنی لیتری ۱۲۰ ریال عرضه می‌شود؛ یعنی در حالی که دولت ۱۵۰ تومان در هر لیتر یارانه برای بنزین می‌دهد که ۳۰۰ درصد قیمت عرضه آن است، در مورد گازوئیل و نفت سفید هر لیتر ۱۸۸ تومان؛ یعنی یارانه هر لیتر گازوئیل و نفت سفید ۲۰ سنت و ۱۵۰۰ درصد قیمت عرضه آن است. پس یارانه سه لیتر گازوئیل و نفت سفید معادل قیمت واردات ۲ کیلو برنج است. در حالی که نفت خام بشکه‌ای ۲۵ دلار فروخته می‌شود، دولت این دو فرآورده را پس از تقبل هزینه حمل و نقل آن‌ها، هر بشکه ۲/۵ دلار در داخل و از جمله در مرزها عرضه می‌کند و موجب می‌گردد که سود بیش از هزار درصدی نصیب قاچاقچیان گردد. به همین دلیل نیز نفت سفید و گازوئیل و نیز بنزین ایران به همه کشورهای همسایه، از جمله کشورهای نفت خیز عربستان، کویت، امارات، قطر و بحرین قاچاق می‌شوند.



۱۳۳۴ خرداد ۲ پیوسته بین‌المللی به ۱۰۰ دلار معادل
۱۰۰ دلار معادل ۱۰۰ دلار معادل ۱۰۰ دلار معادل
۱۰۰ دلار معادل ۱۰۰ دلار معادل ۱۰۰ دلار معادل

اختصاص یارانه به مواد سوختی است؟ آیا راه بهتری برای هزینه کردن این سرمایه کلان وجود ندارد؟ حال با توجه به آمار و ارقام مزبور، چه کسی می‌تواند از ادامه اختصاص یارانه به سوخت دفاع کند و در روز قیامت، از پل صراط به سلامت عبور نماید؟

ابعاد و آثار توطئه بیگانگان

اما چرا فرهنگ کار در کشور ما این قدر ضعیف و اسراف و اتلاف سرمایه‌ها این قدر بالا است؟ این جانب معتقد توطئه استعمار در این ارتباط نقش مهمی ایفا کرده است.

آلوده‌سازی؛ مهم‌تر از مهار

جرالد سگال، مدیر مطالعات انستیتو بین‌المللی استراتژیک لندن، در هفته‌نامه امریکایی نیوزویک که در فروردین ماه ۱۳۷۷ منتشر شده است، عمق سیاست غرب در قبال ایران را نشان می‌دهد. وی می‌گوید: «... غرب باید به شیوه‌ای که کمونیسم را مهار و آلوده کرده، با سایر دشمنان خود عمل کند... آلوده‌سازی، شیوه‌های فراوانی دارد که تجارت با دشمن و... از راه‌های اصلی آلوده‌سازی جوامع است... اکنون نیز باید استراتژی دوگانه مهار و آلوده‌سازی در دستور کار باشد... مهار کافی نیست و آلوده‌سازی مهم‌تر است... خوشبختانه آلوده‌سازی شیوه‌های فراوانی دارد که تجارت با دشمن (در کالاهای غیر استراتژیک) و... از جمله آنهاست...»^(۱)

همچنین انستیتو سیاست خاورمیانه واشنگتن نتیجه مطالعات سال ۲۰۰۰ خود را منتشر نموده و در آن تأکید کرده است که: «... صادرات کالاهای مصرفی به ایران باید از سر گرفته شود این کار باعث کم شدن ارز خارجی موجود در ایران خواهد شد...»^(۲) ممکن است تصور شود که سیاست‌های مزبور

هر تن طلای ۱۸ عیار ۶۲/۵ میلیارد ریال می‌شود. یارانه ۱۰۰ هزار میلیارد ریالی کل سوخت در طول یک سال معادل ۱۶۰۰ تن طلا و بیش از ۲۶۶۶ سال تولید طلای کشور است. به عبارت دیگر، اگر از سال اول هجری تا کنون هر سال یک تن طلا در انباری قرار گیرد و ۲۲۰ سال دیگر نیز این روال ادامه یابد، مجموع ارزش طلاهای این انبار معادل یک سال یارانه سوخت در ایران خواهد بود.

۱۷. ۱۶۰۰ تن طلا، معادل ۳۲۰۰ نیم تن است. ۲۰۰۲ سال از میلاد حضرت مسیح (ع) می‌گذرد. پس اگر از زمان حضرت مسیح (ع) تا کنون و از اکتون تا ۱۲۰۰ سال دیگر، هر ساله نیم تن طلا در انباری جمع می‌شد، ارزش مجموع آن، معادل یارانه‌ای می‌شد که ما فقط در یک سال به یارانه سوخت اختصاص می‌دهیم و آن را به اسراف، صرف دود کرده، از دود آن نیز آسیب‌های جبران‌ناپذیری می‌بینیم.

۱۸. با احتساب ۱۳ میلیارد دلار یارانه سالانه سوخت در کشور، که معادل بیش از ۱۰۴ هزار میلیارد ریال است، می‌توان گفت که یارانه هر روز سوخت در ایران، بیش از ۳۵/۶ میلیون دلار و قریب ۲۸/۵ میلیارد تومان است؛ یعنی یارانه هر روز سوخت در کشور معادل هزینه ساخت یک سد بزرگ خاکی است.

اختصاص یارانه به این نحو، که در مورد بنزین، سهم ثروتمندترین‌ها از آن ۴۰ برابر سهم فقیرترین‌هاست، ظلمی فاحش به محرومان، مردم، کشور، نظام، انقلاب و اسلام است و هیچ کس حق ندارد به نام دل‌سوزی برای اقشار آسیب‌پذیر، از ادامه این روند دفاع کند.

در سال ۱۳۸۱ میزان واردات بنزین به حدود ۱/۳ میلیارد دلار رسید که ۱۳ برابر بودجه دفتر مناطق محروم ریاست جمهوری بود! آیا واقعاً بهترین راه هزینه کردن ثروت کشور

۱۳. یک خانه ۱۸۰ متری اگر شوفاژش با گازوئیل کار کند، به طور معمول در یک زمستان، مقدار ۶ هزار لیتر گازوئیل مصرف می‌کند. پس یارانه آن معادل قیمت واردات ۴ تن برنج است که معادل برنج مصرفی ۱۰۰ سال یک نفر و یا ۱۰۰ نفر در یک سال است. هر قدر این خانه بزرگ‌تر از ۱۸۰ متر باشد، یارانه بیش‌تری از بابت مصرف گازوئیل به خود اختصاص می‌دهد.

۱۴. کل یارانه سوخت در یک سال معادل ۱۳ میلیارد دلار، یعنی با احتساب هر دلار ۸۰۰۰ ریال، یعنی بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد ریال است.

۱۵. الگوی مسکن در تهران، مصوب شورای عالی الگوی مصرف، ۷۵ متر در نظر گرفته شده است. اگر هزینه ساخت هر متر مربع از خانه را بدون احتساب قیمت زمین، یک میلیون ریال فرض کنیم، هزینه ساخت هر واحد مسکونی ۷۵ متر مربع حدود ۷۵ میلیون ریال خواهد شد.

پس هزینه ساخت یک میلیون واحد مسکونی، طبق الگوی مسکن در تهران، مبلغ ۷۵ هزار میلیارد ریال خواهد شد که فقط سه چهارم میزان یک سال یارانه سوخت در کشور است. به عبارت دیگر، با مبلغی معادل یک سال یارانه سوخت، می‌توان بیش از ۱/۳۰۰/۰۰۰ واحد مسکونی ساخت که این مقدار تقریباً با تعداد واحدهای مسکونی در تهران برابری می‌کند! یعنی ما در هر سال، مبلغی معادل ساخت خانه به تعداد تمام خانه‌های تهران را در اختصاص یارانه به سوخت، دود می‌کنیم. خسارات مادی چنین سیاستی از وقوع زلزله مهیب ۸ ریشتری در تهران بیش‌تر است!

۱۶. قیمت هر گرم طلای خام ۱۸ عیار، بر اساس اطلاعات منتشر شده در جراید مورخ ۱۳۸۰/۹/۱۸، ۶۲/۵۰۰ ریال است. پس قیمت

ساعت مفید کار هر آلمانی نیز قریب ۷ ساعت در روز است و حال آن که در برخی محاسبات، ساعات مفید کار در ایران فقط یک ساعت در روز می باشد.

مربوط به دشمنی غرب با ایران در نظام جمهوری اسلامی ایران است. اسناد و مدارک نشانگر آن هستند که غرب اصولاً با ملل مسلمان خصوصت داشته و سیاست خویش علیه مسلمانان را حتی در زمان رژیم‌های دست‌نشانده نیز دنبال می‌کرده و اصولاً برای اعمال همین سیاست‌ها بوده که با کودتا و هزار ترند و توطئه دیگر، رژیم‌های مزدوری را بر کشورها حاکم می‌کرده است.

تلاش انگلیس برای ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی

فرهنگ مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی در جامعه، که بسیار گسترده است، در ادارات نیز نمود می‌یابد. مصرف‌های بی‌رویه در ادارات، تجمل‌گرایی‌ها و تغییر مکرر دکوراسیون‌ها، نشأت گرفته از این فرهنگ غلط جاری است. آنتونی پادسوز، آخرین سفیر انگلیس در رژیم شاه، که پس از ۵ سال سفارت و فقط ۵ روز قبل از فرار شاه از کشور، ایران را ترک کرد، در کتاب خود تحت عنوان غرور و سقوط متن اظهاراتش را در سال ۱۹۷۴ میلادی (۱۳۵۲ شمسی) خطاب به بازرگانان انگلیس و کسانی که دست‌اندرکار تجارت و معامله با ایران بودند، این گونه به رشته تحریر درآورده است: «... نخستین کاری که این جا می‌کنید این است که تا می‌توانید کالاهایتان را بفروشید و فقط در صورتی سرمایه‌گذاری کنید که برای فروش کالایتان چاره‌ای جز این کار نداشته باشید. اما اگر مجبور باشید در این جا سرمایه‌گذاری کنید، به میزان حداقل ممکن، سرمایه‌گذاری کنید و صناعی را انتخاب کنید که قطعات و لوازم آن از انگلستان وارد شود؛ مانند صنایع موتناژ که در واقع، سوار کردن قطعات صادراتی انگلیسی در

ایران است. در این محدوده و با توجه به این نکات، من معتقدم که ایران یکی از بهترین بازارهایی است که شما می‌توانید برای مصرف کالاهای خود در جهان سوم پیدا کنید»^(۳) اظهارات سفیر انگلیس، که در اوج روابط حسنه انگلیس با رژیم شاه بیان شده، نشان دهنده ماهیت سیاست انگلیس نسبت به ایران و سایر ملل جهان سوم است مسلماً توصیه مقام‌های انگلیسی به کسانی که مسوولیت طراحی و سازمان‌دهی امور قانون‌گذاری، اقتصادی، گمرک‌ها و تبلیغات ایران را به عهده داشته‌اند نیز در جهت همین سیاست، برای رشد مصرف‌گرایی در ایران بوده است. امریکا نیز همین سیاست را در مورد ایران داشته است. توطئه علیه ملت‌های مسلمان و سایر کشورهای جهان سوم یک سیاست دیرینه است که امریکا از سال‌ها قبل آن را دنبال می‌کرده است و انگلستان نیز در سیاست‌های استعماری خود، از قرن‌ها پیش آن را به اجرا درآورده بود.

راه موفقیت از دیدگاه سازمان سیاسی امریکا

امریکایی‌ها در تبلیغات خود، به ویژه در «رادیو آزادی»، متعلق به سازمان سیا، بارها خود را دلسوز ملت ایران مطرح کرده‌اند و برای آن‌ها اشک تمساح ریخته و خواستار موفقیت ملت ایران شده‌اند. برای آشنایی با این که امریکایی‌ها چه راهی را برای کسب موفقیت، به مردم جهان اسلام نشان می‌داده‌اند، نوشته‌ای از محمد حسین هیکل، نویسنده و روزنامه‌نگار معروف مصری، ذکر می‌کنم: هیکل در کتاب خود تحت عنوان میان مطبوعات و سیاست، که به فارسی نیز منتشر شده، مطلبی را به صورت پاورقی در صفحه ۱۸۷ کتاب به

شرح ذیل نوشته است:

گزارش کمیته ویژه کنگره امریکا... در سال ۱۹۷۴ به ریاست سناتور چرچ تشکیل شد و وی مأمور بررسی فعالیت سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) بود. بخشی از آن به تأسیس مؤسسات مطبوعاتی و انتشاراتی در بسیاری از کشورهای اروپایی و جهان سوم و حتی در خود امریکا مربوط می‌شد. از جمله نکته‌های قابل توجه در این گزارش این بود که مجله ریدرز دایجست، که بعداً نیز با عنوان المختار به زبان عربی منتشر شد، در فهرست مجلاتی ذکر شده بود که سازمان اطلاعات مرکزی امریکا به انتشار آن کمک کرد و عجب این بود که نخستین شماره عربی آن که در مصر چاپ شد، به سردبیری فؤاد مصروف بود... همو بود که وی را به سال ۱۹۴۴ به کریت روزولت (عضو سیا در سفارت امریکا در مصر) معرفی کردند... سالی که اواخر آن، مجله اخبارالیوم منتشر شد و نیز المختار بعداً توسط مؤسسه «اخبارالیوم» منتشر گردد.

ارزش‌هایی هم که المختار ترویج می‌کرد، در دو مورد قابل توجهند:

اول. موفقیت بستگی به شانس دارد و بر حسب اتفاق به دست می‌آید.

دوم. عدالت اجتماعی مرهون کرم‌کسانی است که حاضر به دادن اعانه و نیکوکاری باشند.^(۴)

ابعاد آلوده‌سازی

باید بررسی کرد که سازمان سیا چه هدفی را از ترویج اعتقاد به شانس به عنوان عامل موفقیت دنبال می‌کند و چرا نزد مردم جهان سوم به تبلیغ شانس بودن موفقیت می‌پردازد؟ و این که چرا به جای تشکیل یا حفظ حکومتی مردم و خواستار عدالت و مبارزه با مفاسد و مفسدان، باید عدالت را مرهون کرم‌دارها

دانست و کاری به این نداشت که این داراها، دارایی‌های خود را از کجا آورده‌اند؟!

چرا امریکا که در تبلیغات داخلی کشور خود، راه موفقیت را «کار، کار، کار» عنوان می‌کند، در کشورهای اسلامی، آن را به شانس ربط می‌دهد. قطعاً هدف امریکا تضعیف فرهنگ کار و ممانعت از موفقیت مسلمانان است. چرا غرب درصدد تضعیف فرهنگ کار و ترویج فرهنگ مصرف‌زدگی و نیز مفاسد اخلاقی در ایران است و تلاش می‌کند تا نسل جوان ما را مصرف و تنیل بار آورده، از نظر اخلاقی آلوده سازد.

خداوند در آیه ۱۱۸ تا ۱۲۰ سوره «آل عمران» پاسخ این پرسش را فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان (دوست و همراه مگیرید. آنان) از هیچ ناپکاری در حق شما کوتاهی نمی‌کنند؛ آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنان آشکار است، و آنچه را در سینه‌هایشان نهان می‌دارند، بزرگ‌تر است. در حقیقت، ما نشانه‌های دشمنی آنان) را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید.

هان! شما کسانی هستید که آنان را دوست دارید، و (حال آن که) آنان شما را دوست ندارند، و شما به همه کتاب‌ها (ی خدا) ایمان دارید، و چون با شما برخورد کنند، می‌گویند: «ایمان آوردیم» و چون (با هم) خلوت کنند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را می‌گزند. بگو: «به خشم خود بمیرید» که خداوند به راز درون سینه‌ها داناست.

اگر به شما خوشی رسد، آنان را بدحال می‌کند؛ و اگر به شما گزندی رسد، بدان شاد می‌شوند؛ و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند. یقیناً خداوند به آنچه می‌کنند احاطه دارد.

راه کار قرآنی

راه خنثی کردن توطئه‌های دشمن و طریق تحقق توسعه در قرآن مجید و در کلام معصومان (ع) و نیز از زبان حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری بیان شده است:

قرآن: «برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.» (نجم: ۳۹)

قرآن: «او کسی است که شما را از زمین آفرید و عمران و آبادی آن را به شما سپرد و قدرت و وسایل آن را در اختیارتان گذارد.» (هود: ۶۱)

قرآن: «ای خاندان داوود، به شکرانه نعمت‌هایی که به شما ارزانی داشتیم، کار کنید، که بندگان شکرگزار من کم هستند.» (سبأ: ۱۳)

حضرت صادق (ع): «اگر گمان کردی این خبر به تو رسید که فردا قیامت برپا می‌شود، از طلب روزی (و کسب و کار) دست مکش و اگر بتوانی بار دوش دیگران مباحی، مباح.»

حضرت علی (ع): «بالاترین تفریح کار است.»

امام خمینی (ره): «کار مثل جلوه حق تعالی و مبدأ همه موجودات است.»

امام خمینی (ره): «ملت شریف ما اگر در این انقلاب بخواهد پیروز شود، باید دست از آستین برآرد و به کار بپردازد. از بطن دانشگاه‌ها تا بازارها و کارخانه‌ها و مزارع و باغستان‌ها، تا آن جا که خودکفا شود و روی پای خود بایستد.»

تهدیدها و دهه بحران

با تهاجم همه جانبه امریکا به عراق برای اشغال عراق و تصاحب منابع نفتی آن، جهان وارد عصر جدیدی شده است. هدف امریکا به تصرف منابع نفتی عراق محدود نمی‌گردد و کل خاورمیانه را شامل می‌شود.

عصر حاضر، عصر کشورگشایی با تکیه بر قدرت نظامی است. در واقع، جنگ جهانی سوم با اشغال افغانستان آغاز شد و با تجاوز و اشغال عراق وارد مرحله جدید گردید. در این دهه از

قرن بیست و یکم، جهان روی خوش به خود نخواهد دید، اما قراین و تحولات نشان می‌دهند که در این دهه، تحولات عظیمی در جغرافیای سیاسی منطقه و جهان و به ویژه در خاورمیانه رخ خواهند داد.

راه دفع تهدیدها و بحران‌ها

لازم به تأکید است که در بطن هر تحوّل، تهدیدها و فرصت‌هایی وجود دارند؛ از جمله در تحولات بین‌المللی. گاهی وزنه تهدیدها بیش تر و گاهی وزنه فرصت‌ها افزون‌تر است. اما به هر حال، در دل هر تحوّل مثبت یا منفی، و در هر صورتی، هم تهدید و هم فرصت نهفته است. هر ملتی باید خود را آماده مواجهه با تحولات نماید و توان خویش را برای دفع تهدیدها و بهره‌برداری از فرصت‌ها افزایش دهد.

سقوط شوروی خود یک فرصت بود و البته در بطن خود تهدیدهایی را نیز دربرداشت. شکل‌گیری و استقلال چند کشور مسلمان در سرزهای شمالی ایران یک فرصت بود و احساس یگانه‌تازی در کاخ سفید یک تهدید.

حمله امریکا به افغانستان یک تهدید بود، اما در بطن خود سرنوشتی رژیم قرون وسطایی و ضد شیعی طالبان یک فرصت محسوب می‌گردد. حمله امریکا به عراق یک تهدید است، اما در دل خود سقوط یک دیکتاتوری رادری داشت. برنامه‌ریزی امریکا برای سلطه بر جهان یک تهدید بزرگ است، اما در بطن خود یک فرصت بزرگ را می‌پروراند و آن بیداری جهانی و گسترش تنفر از امریکا در جهان اسلام و تسریع در سقوط امپراتوری امریکاست.

باران یک نعمت الهی است که در بطن آن تهدید سیل نهفته است. نعمت‌های بزرگ الهی مملو از فرصت‌ها هستند، اما کفران

نعمت، آن را به یک تهدید تبدیل می‌کند. خلاصه آن که در بطن هر تحولی تهدیدی نهفته است.

از سوی دیگر، جهان پر از تحول است و فناوری جدید ارتباطی سرعت تحولات را افزایش داده است. این بدان معناست که بروز تهدید و یا ایجاد فرصت نیز به سرعت رخ می‌نمایند.

پس ما همواره با تهدیدات و فرصت‌های بسیاری مواجهیم و باید بیش از هر عصر دیگری، خود را برای دفع تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها آماده و توانمند سازیم. گاهی برای دفع تهدیدها به سرمایه و گاهی به قدرت و زمانی به ایثار و در هر حال، به کار کردن نیاز داریم. برای استفاده از فرصت‌ها نیز گاه به سرمایه، گاه به قدرت نظامی و ایثار و فداکاری و در هر حال، به کار نیاز داریم.

مردم ایران باید خود را برای گذر موفقیت‌آمیز از این دهه پرتلاطم و خطرناک آماده کنند. برای موفقیت در این امر، باید همه بر کار و تلاش مؤثر و سازنده خویش در همه ابعاد بیفزایند و از ائتلاف سرمایه‌ها و اسراف در مصرف پرهیزند تا بر توان کشور افزوده شود. وحدت کلمه حول محور اسلام و انسجام کامل حول محور ولایت، لازمه عبور سالم و مطمئن از گردنه‌های خطرناکی است که با آن مواجه هستیم.

اگر هر کس، هر جا که هست و هر کاری که انجام می‌دهد و هر مسؤولیتی را در هر سطحی که بر عهده دارد به نحو احسن انجام دهد و اگر هر کس در رفتار اجتماعی و چگونگی مصرف خویش ملاحظه منافع عمومی و ملی را بنماید اگر به طور کلی بر ساعات کار مفید خویش بیفزاید و از اسراف و ائتلاف سرمایه‌ها پرهیز کند، در حقیقت توان کشور را در دفع تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، افزایش داده است. توان هر کشور در دفع تهدیدها و استفاده از

فرصت‌ها، در نفوذ دیپلماسی یک کشور در مذاکرات بین‌المللی، در تأثیر اظهارات مقامات یک کشور برای بازداشتن دشمن از دست زدن به تجاوز، ترغیب رقبا به رعایت حقوق آن کشور و بسیاری از موارد مشابه، تأثیر بسزایی دارد.

کشوری که نیازمند اخذ وام از خارج باشد کلامش نفوذی نخواهد داشت و کشوری که امکان دادن وام به دیگران دارد و دیگران نیازمند بهره‌مندی از وام آن باشند، کلامش مؤثر است.

اگر می‌خواهیم ایران در صحنه داخلی و خارجی سربلند باشد، اگر می‌خواهیم حق خویش را در دریای خزر از دست ندهیم، اگر می‌خواهیم مانع توسعه طلبی دیگران شده، از سهم خویش، از منابع نفت و گاز استفاده کنیم، اگر می‌خواهیم تهدیدهای دشمن را دفع کرده، از فرصت‌های پیش رو نهایت استفاده را ببریم، و هزاران اگر دیگر، باید توان کشور را در ابعاد گوناگون تقویت کنیم.

همان گونه که ذکر شد، راه تقویت توان کشور این است که هر کس در هر جا که هست و هر کاری را بر عهده دارد، به نحو احسن انجام دهد. پس کسی از ساعت مفید کاری کمی برخوردار است و کسی با اسراف در مصرف، سرمایه‌هایی را که می‌توانند در تولید و عمران به کار روند، تلف می‌کند، بداند که ائتلاف فرصت‌ها و ضعف در دفع تهدیدها شریک است.

بیایم همه در پیروی از رهنمودهای مقام معظم رهبری، با بهبود بخشیدن به کیفیت و کمیت کار خویش، در رعایت الگوهای مصرف و در هر حرکتی که موجب تقویت توان کشور است، تهدیدها را دفع کنیم و از فرصت‌ها برای پیشرفت کشورمان بهره‌ای لازم ببریم.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- جرالد سگال، مدیر مطالعات استراتژی بین‌المللی استراتژیک لندن، در هفته‌نامه امریکایی نیوزویک در فروردین ماه ۱۳۷۷ بر مطلب مذکور تأکید کرده بود.
- ۲- روزنامه کیهان مورخ ۱۸ فروردین ۱۳۸۰ به نقل از گزارش گروه مطالعات ریاست جمهوری انستیتو سیاست خارجی واشنگتن به نقل از اینترنت به نشانی: WWW.Washingtoninstitute.org/pubs/psg.pdf
- ۳- آنتونی پارسونز، غرور و سقوط، ترجمه منوچهر راستین، تهران، هفته، ۱۳۶۳، ص ۳۰.
- ۴- حسین هیکل، میان مطبوعات و سیاست، ترجمه محمد کاظم موسایی، تهران، شرکت الفبا، ۱۳۶۴، ص ۱۸۷.